

گوش داشتن

استادم آقای انجوی شیرازی از زمانی که کار تصحیح، شرح نوشتن و مطابقت اشعار اساتید با سخنان حافظ را شروع کرد از جمله در یافتن معنی اصطلاحات و ترکیبات مهجور زبان حافظ برآمد که یکی از آنها «گوش داشتن» است که در

دیدار نوروزی اظهار لطف فرمودند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ای ملک العرش مُرادش بده
وز خطرِ چشم بدش دار گوش

بحث بر سرِ گوش داشتن است. گوش داشتن به معنی نگاه داشتن و محفوظ داشتن و مراقب و مواظب بودن و مراعات کردن در آن زمان رایج بوده است. خواجه در بیتی دیگر گوید:
دل ز ناوک چشمت گوش داشتم لیکن ابروی کماندارت می برد به پیشانی

در آثار متقدمان نیز این اصطلاح دیده می شود: «... حکماء پادشاه با تمکین آن را خوانند که صلاح روزگار آینده بهتر از آن گوش دارد که غم زمان خویش...»

نَاعَةُ تَنْسَر - مینوی - رضوانی، چاپ دوم ص ۵۲ و توضیحات مبسوط و دقیق درباره
این ترکیب از ص ۱۳۴ به بعد.

• و پدر شیخ حکایت کرد کی: هر شب چون از نماز فارغ شدمی و با سرای آمدمی، در
سرای را زنجیر کردمی و گوش می داشتمی تا بوسعید بخشید...
اسرارالتوحید. چاپ دکتر صفا، ص ۳۲ - ۳۴.

• شما این جایگاه می باشید. گوش با من می دارید اگر چنان که فردا آدم نیک و الا سر
مهران وزیر ببرید و پیش خورشیدشاه ببرید.
سمک عیار، ج اول، ص ۳۹۷.

• ... چاره آن است که ما این جا پیش سپاه نگاه می داریم و از این بهتر گوشداری
می کنیم و دفع جنگ می سازیم تا اگر جنگ می باید کردن به آهستگی به سر ببریم.
سمک عیار، ج اول، ص ۱۷۱.

• ... در هر سال دوبار به سلام او رفتی و این آداب گوش داشتی و هر بار خلیفه او را هزار
درم بدادی.
نصیحت المملوک غزالی، ص ۲۵۳.

• هنگامی که آدم به مکه می شد به زیارت خانه (کعبه) و آدم خواست به مکه شود آسمان
را گفت «یا سماء احفظی ولدی» یا آسمان فرزند من گوش دار.
کشف الاسرار و عده الابرار. علی اصغر حکمت. جلد سوم، چاپ ابن سینا. ص ۹۵.

• زبان را روز و شب خاموش می داشت نمودار نیا را گوش می داشت
«خسرو و شیرین نظامی»

• ... گفت (ابوحنیفه) با خدای، ادب گوش داشتن در خلوت اولیتر. نقل است که روزی
می گذشت کودکی را دید در گل مانده بود. گفت: گوش دار تا نیفتی. کودک گفت: افتادن
من سهل است اگر بیفتم تنها باشم اما تو گوش دار که اگر پای تو بلغزد همه مسلمانان که از
پس تو در آیند بلغزند و برخاستن همه دشوار بود.

تذکره الاولیاء عطار، نیمه اول، ذکر ابوحنیفه، ص ۱۷۲.

مرا این مرد بی‌شک هوش دارد نماز و طاعت من گوش دارد
الهی‌نامه: عطار، چاپ فؤاد روحانی، ص ۷۲.

•
شیخ عطار قصه‌ای دارد در الهی‌نامه در باب عاشق شدن فخرالدین گرگانی بر غلام
پادشاه گرگان و بخشیدن شاه آن غلام را به فخرالدین:

به گرگان پادشاهی پیش‌بین بود که نیکو طبع بود و پاک‌دین بود
چو بودش لطف طبع و جاه و حرمت در آمد فخرِ گرگانش به خدمت
زیان در مدحت او گوش می‌داشت که آن شه نیز بس نیکوش می‌داشت
و چند بیت پایین‌تر:

برفته هوش از او و هوش می‌داشت به مردی چشم خود را گوش می‌داشت
الهی‌نامه: عطار، چاپ فؤاد روحانی، ص ۸۳.

•
شاهین شیرازی بزرگترین شاعر یهودی پارسی‌گوی است که در اواسط قرن چهاردهم
مسیحی در شیراز می‌زیسته است، در داستان «موسی‌نامه» شعیب درباره عصای موسی می‌گوید:
ز بهرش این عصا را گوش دارم من او را روز و شب در انتظارم
منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، تألیف آمنون نتصر، ص ۳۸.

همین شاعر در داستان یوسف و زلیخا نیز از زبان یعقوب در باره یوسف گوید:
من این پیراهنش را گوش دارم به چندانی که جان را واسپارم
همان کتاب، ص ۶۸.

•
به ذکر و فکر و عبادت به روح شیخ کبیر به حق روزبهان و به حق پنج نماز
که گوش دار تو این شهر نیکمردان را ز دست ظالم بددین و کافر غماز
«شیخ اجل سعدی»

•
... چه دوده حمام عظیم بقوت است و آن را (زراعت را) از سرما گوش دارد. ص ۱۸۵.
ایضاً... و بدین موجب همواره صرفه گوش می‌دارند. ص ۱۹۷.

آثار و احیاء رشیدالدین فضل‌الله، به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار، چاپ ۱۳۶۸ خورشیدی.

•
خواجوی کرمانی در موارد متعدد این اصطلاح را به کار برده است:

چون من از پای درافتام و از دست شدم دارم از لطف تو آن چشم که داری گوشم
ص ۳۰۷

و در جای دیگر:

چو جام لعل تو نوشم کجا بماند هوش چو مست چشم تو گردم مرا که دارد گوش
ص ۲۸۵

•
در آثار عبید نیز آمده است:

دیگری در اثنای وصایا فرموده باشد که ای پسر زنه‌ار باید که زبان از لفظِ نعم گوش
داری. «اخلاق‌الاشراف. باب سخاوت. حکایت اول از مذهب مختار. ص ۲۱۷»
کلیات عبید، چاپ پرویز اتابکی.

•
در لهجه خوانساری «گوشدارتن» به معنی «نگاهداشتن» هنوز مصطلح است.
از نامه آقای جلال صاحبی از بانک رهنی اراک که درباره فولکلور خوانسار به من
نوشته است. به تاریخ آذرماه ۱۳۴۶ خورشیدی.

•
گوش داشتن، در اردستان هم مصطلح است: نوی که خُش گوش نداره ما گوش داره؟
= نانِ جو که خودش را نگه نمی‌دارد مرا نگاه می‌دارد؟

•
پایان‌نامه دوره لیسانس زبان فارسی آقای عبدالله رستگار زیر عنوان «آداب و رسوم و
ضرب‌المثلهای اردستان» سال ۱۳۵۰ خورشیدی، ص ۶۵.

•
در شیراز چون گویند: «گوشِت به نی باش.» یعنی مراقب و مواظب این باش. والسلام.